

کتاب مقدس برای کودکان
تقدیم می کند

دختری که دوباره
زنده شد



مترجم: Shahrzad
بازگویی از: Ruth Klassen

نویسنده: Edward Hughes
طراحی تصاویر: Janie Forest

داستان 49 از 60

www.M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg, MB R3C 2G1 Canada

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان ها را کپی و چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

فارسی

Persian

فقط یک نفر می توانست به دختریاروس کمک کند. یایروس به دنبال این بود که عیسی را پیدا کند و او را به خانه اش بپاورد. یایروس می دانست که دوستان مذهبی اش عیسی را تایید نمی کنند. ولی یایروس به این موضوع اهمیت می داد. او باید از عیسی کمک می گرفت قبل از اینکه دخترش بمیرد.



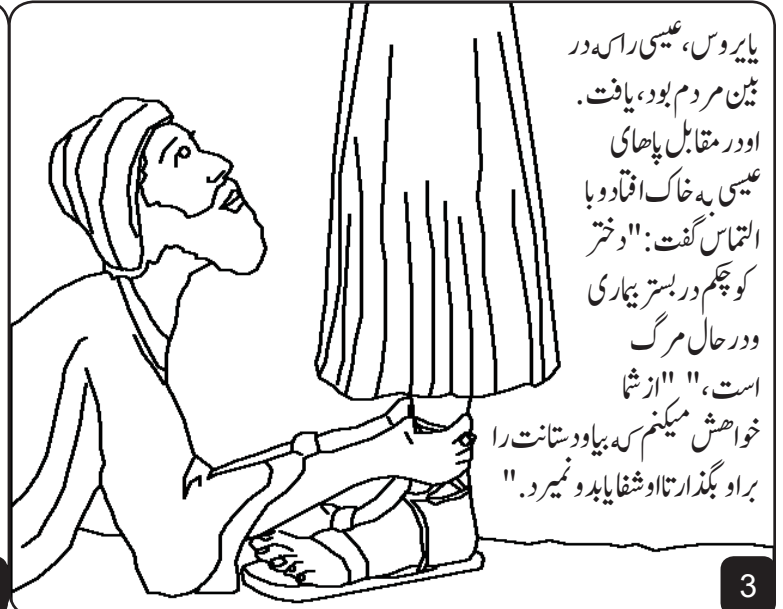
مردی بنام یایروس، سرپرست عبادتگاه یهودیان بود و به مردم کلام خداوند را تعلیم می داد. یک روز اتفاق بدی برای او افتاد. دختر کوچکش که دوازده ساله بود، سخت بیمار شده بود. به نظری رسید که هیچ کسی نمی تواند به او کمک کند. بیماری بدی بود. یایروس می دانست که دخترش در حال مرگ است.





عیسی با ییروس به راه افتاد. ولی آنها نمی توانستند سریع راه روند چون جمعیت زیاد بود و به آنها فشار می آوردند. زنی در بین جمعیت بود که به مدت دوازده سال بیماری سختی داشت، او همه دکترها را دیده بود و همه پولش را خرج کرده بود تا به او کمک کنند ولی آنها نتوانسته بودند که به او کمک کنند، او می خواست که عیسی را ببیند.

4



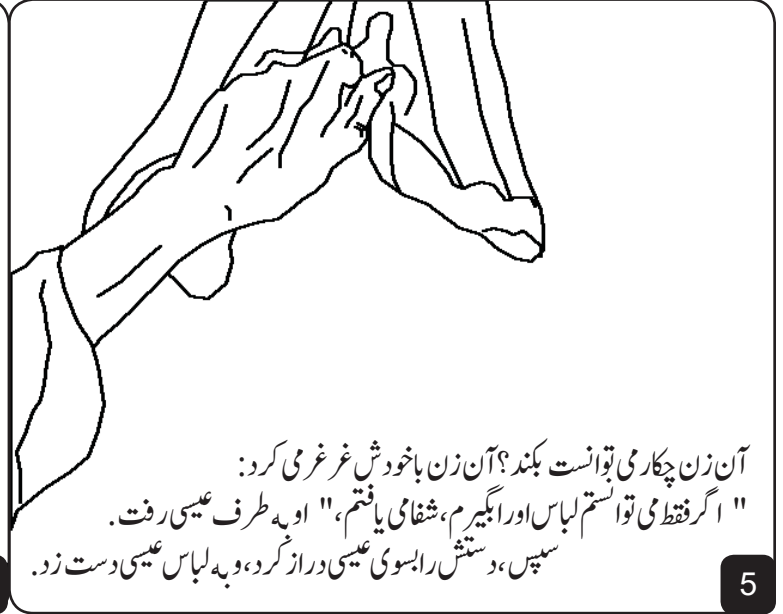
ییروس، عیسی را که در بین مردم بود، یافت. او در مقابل پاهای عیسی به خاک افتاد و با التماس گفت: "دختر کوچکم در بستر بیماری و در حال مرگ است،" "از شما خواهش میکنم که بیا و دستانت را بر او بگذارتا و شفا یابد و نمیرد."

3



آن زن شفا یافت. بلافاصله! بطور کامل! او می دانست که شفا خواهد یافت و قوی و سالم خواهد شد. اما صدایی شنیده شد "چه کسی به لباس من دست زد؟" عیسی پرسید. کسی از میان جمعیت به لباس او دست زد. اما آن زن که شفا یافته بود می دانست که عیسی می خواهد که او به عیسی در مورد معجزه بگوید. آهسته، آن زن تمام ماجرا را به عیسی گفت.

6



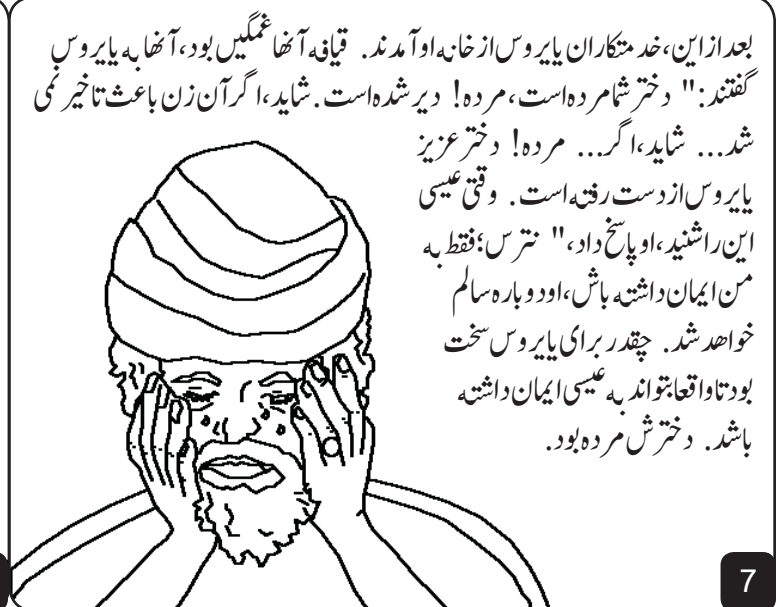
آن زن چکاری توانست بکند؟ آن زن با خودش غرغری کرد: "اگر فقط می توانستم لباس او را بگیرم، شفای یافتم،" او به طرف عیسی رفت. سپس، دستش را بسوی عیسی دراز کرد، و به لباس عیسی دست زد.

5



در آن خانه، همه برای دختر کوچک گریه می کردند و عزادار بودند. عیسی به مردم گفت: "او نمرده است، او خواب است." مردم به عیسی خندیدند. آنها می دانستند که دختر مرده است.

8



بعد از این، خدمتکاران ییروس از خانه او آمدند. قیافه آنها غمگین بود، آنها به ییروس گفتند: "دختر شما مرده است، مرده! دیر شده است. شاید، اگر آن زن باعث تاخیر نمی شد... شاید، اگر... مرده! دختر عزیز ییروس از دست رفته است. وقتی عیسی این را شنید، او پاخ داد، "مترس، فقط به من ایمان داشته باش، او دوباره سالم خواهد شد. چقدر برای ییروس سخت بود تا واقعاً بتواند به عیسی ایمان داشته باشد. دخترش مرده بود.

7

دخترک که مرده بود هم
فرمان عیسی را شنید!
روح دخترک به زندگی
بازگشت، و او بلافاصله بر
خواست. عیسی او را از
مردگان بلند کرد.



10

عیسی آنها را بیرون کرد، دست دختر را گرفت و گفت: " دخترم، بلند شو." یایروس
آنجا بود. همسرش نیز آنجا بود. همه شاگرد عیسی، هم آنجا بودند. آنها سخنان عیسی را
شنیدند. آیا آن دختر هم این
سخنان را شنید؟



9

دختری که دوباره زنده شد
داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس
بر اساس
مرقس فصل پنجم، لوقا فصل هشتم

"کشف کلام تونورمی بختند."
مزمور ۱۱۹: ۱۳۰

پدر و مادرش غرق در حیرت و شگفتی شدند. عیسی به آنها گفت که به دخترک غذا
بدهند. چقدر آنها خوشحال بودند و چقدر آنها از عیسی تشکر کردند.



11

خدای داند که ما کارهای بدی انجام داده ایم
کارهایی که او آنها را گناهی خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگان خود را فرستاد تا با
مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ دوباره
زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می خواهید از گناهان خود توبه کنید، این دعا را نزد خدا بکن: خداوند من ایمان دارم
که عیسی برای گناهان من مرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می کنم وارد زندگی
من بشو و گناهان مرا ببخشد تا بتوانم زندگی تازه ای داشته باشم و برای همیشه
باقی باشم. منم کن تابه عنوان فرزند تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس راه روز بخوان و همیشه دعا کن!